

ماجرای عشق و عاشقی میدون

ABC شهرداری مریی



پوریا عالمی

«با فشار قالیباف به ناجا، فرمانده پلیس راهور تهران عوض شد و به دنبال آن شاهد ترافیک سنگین در شهر تهران طی یک‌ماه گذشته هستیم، هدفشان چیست؟»

رحمت‌الله حافظی، نماینده شورای شهر تهران



هزینه ساخت بزرگراه دوطبقه صدر حدود پنج هزار میلیارد تومان شد، درحالی‌که ساخت هر کیلومتر مترو تا ۸۰ میلیارد تومان می‌شود. خبرنگار «شرق»

بررسی آمار مرگ‌های غیرطبیعی در استان تهران نشان می‌دهد که به‌طور میانگین در شش‌ماهه نخست اسماں روزانه ۱۵ نفر به دلیل مرگ‌های غیرطبیعی جان خود را از دست داده‌اند و همچنین در این مدت روزانه ۲۹۷ نفر نیز برای نزاع به مراکز پزشکی‌قانونی استان تهران مراجعه کرده‌اند. به گزارش ایسنا، مدیرکل پزشکی‌قانونی استان تهران از مرگ غیرطبیعی قریب به دوهزارو ۸۰۰ نفر در استان تهران خبر داد. وی گفت: بیشترین علل مرگ ساکنان استان تهران در نیمه نخست سال ۹۵ تصادفات بوده است، به‌طوری‌که در این مدت ۷۵۶ نفر در تصادفات رانندگی جان خود را از دست داده‌اند. مدیرکل پزشکی‌قانونی تهران همچنین از مراجعه ۵۵هزارو ۲۴۴ مورد برای رسیدگی به پرونده نزاع به مراکز پزشکی‌قانونی ايسنا

سوفیای... سوفیای... عشق من... دیربوز توی ترافیک چهار ساعت معطل شدم، آن‌هم درحالی‌که به علت نبودن اتوبوس و شلوغی ۶۰درصدم از لای در اتوبوس مانده بودم بیرون، رانده پش‌ت‌سری هم می‌بوق می‌زد، چون دست و پای من که از اتوبوس بیرون مانده بود جلو چشم او را می‌گرفت، این وسط پلیس که نمی‌گذاشت کسی از خط ویژه رد شود، گذاشت چهارتا ماشین اسکورت از خط ویژه ویزژژژ رد شوند و ویزژ بدهند و رانده عقبی دیگر کلافه شد و با قفل‌فرمان پیاده شد و فریاد زد من یکی از ۵۵هزارو ۲۴۴ نفری هستم که به خاطر ترافیک اعصابم را از دست داده‌ام و من را از لای در اتوبوس کشید بیرون و حالا زن کی بز، بعد درحالی‌که من یکی از دوهزارو ۸۰۰ نفری بودم که بر اثر مرگ غیرطبیعی و تصادف جان باخته بودم، دوتایی می‌خواستیم به پلیس و پزشکی‌قانونی مراجعه کنیم که چون پل صدر بسته بود و مترو هم جا نبود و ترافیک هم تمام نمی‌شد، صبر کردیم خلوت شود. الان هم ساعت ۱۱ شب است سوفیا و هنوز ترافیک تمام نشده و من توی دوربرگردان چمران مانده‌ام، چه‌کار کنم؟ حالا که من مرگ غیرطبیعی داشته‌ام، تو باز هم دوستم خواهی داشت؟ نمی‌دانم.

امضا: کشته‌مرده غیرطبیعی تو؛ میدون دوم

نکته

شماره جدید زنان منتشر شد



● دوره جدید ماهنامه «زنان امروز» از اول زمستان منتشر شد. عکس روی جلد با این تیتراست «ما نجاریم، نه خانم مهندس!» که درباره مجموعه‌ای از شغل‌های منحصربه‌فرد و متفاوت زنان است، درباره زنان راننده‌تاکسی، زنانی در مزارع زعفران و... گفت‌وگو با فرح اصولی، در کنار تحلیل‌هایی درباره شکست هیلاری کلینتون، از دیگر مطالب خواندنی این شماره است. پرونده‌ای درباره توران مهرادی و درباره ادبیات زنان و آثار منتشرشده نیز در این شماره به چشم می‌خورد. آن‌طورکه شهلا شرکت، مدیرمسئول ماهنامه زنان، نوشته است، انتشار دوباره این ماهنامه، باوجود تمام مشکلات مادی، پاسخی به دغدغه‌های زنان است. حضور زنان روزنامه‌نگار جوان و تحصیل‌کرده، از ویژگی‌های شماره جدید است که خبر از پرورش نسلی تازه در عرصه مطبوعات می‌دهد.

شرق روزنامه

پنجشنبه ۲ دی ۱۳۹۵ ● ۲۲ ربیع‌الاول ۱۴۳۸ ● ۲۲ دسامبر ۲۰۱۶ ● سال چهاردهم ● شماره ۲۷۵۷ ● ۲۰ صفحه اذان ظهرتهران ۱۲:۰۳ ● اذان مغرب ۱۷:۱۶ ● اذان صبح‌فردا ۵:۴۱ ● طلوع آفتاب ۷:۱۱

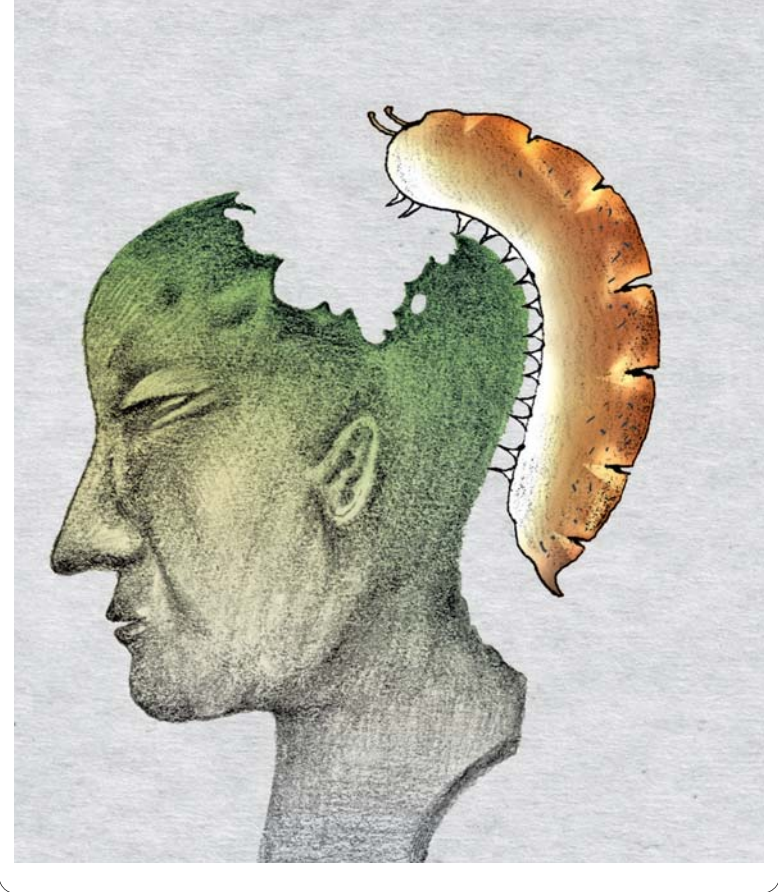
روزنارخرا



کارتون خواب

مهدی معتمدیان (دیان)
motazedian.mehdi@yahoo.com

رئیس سازمان بهزیستی کشور: ۲۰۰ هزار نفر در کشور اختلال روانی مزمن دارند



گزارش

آینه‌ای دیگر برای مهاجران جوان

پیام غیائی؛ مجامع هنری دنیا سال‌هاست که روزنه‌ای به سینمای ایران، فیلم‌ساز ایرانی و جامعه ایران گشوده‌اند. فیلم‌های ساخت ایران سال‌های متمادی است که در خارج از کشور و عمدتاً از طریق جشنواره‌ها برای مخاطبان خارجی نمایش داده می‌شوند. امروز اگران این فیلم‌ها در محافل کوچک و بزرگ مهاجران ایرانی هم دیگر امر جدیدی نیست. رویداد «سینمای ایران، نگاهی دیگر» مجالی است که به همت دو انجمن ایرانی- دانشجویی در سینما هاگا در شهر گوتنبرگ سوئد فراهم شده است. این رویداد که با نمایش فیلم ۳۱۶، ساخته پیمان حقانی در تاریخ ۲۰ آبان‌ماه کلید خورد، شروع بسیار خوبی داشت و تقریباً تمام بلیت‌های سالن ۱۲۰ نفره سینما فروش رفت. فیلم «ماهی و گریه»، ساخته شهرام مکری چهار آذرم‌اه به نمایش درآمد و «پرین از ارتفاع کم»، ساخته حامد رجعی نیز ۱۸ آذرم‌اه به نمایش درمی‌آید. این رویداد اما از منظر دیگری نیز حائز اهمیت است. هنگامی که با کمی کنجکاوی پیرسیم مرادوات هنری سینمای ایران با جهان تا چه اندازه در تصویر عامه فرنگیان از جامعه ایران ریزش کرده و اساساً افکار عمومی دنیا و عامه مردم جهان که برای سال‌ها عمدتاً روزنه‌ای جز رسانه‌های خبری و مهاجران ایرانی به تماشاخانه ایران نداشته‌اند، چه تصویری از ایران و ایرانی پیش‌رو دارند؟ و دراین‌میان جامعه چند میلیون‌ی مهاجران ایرانی در چندین دهه گذشته بازتاب‌دهنده کدام تصویر از ایران بوده و امروز پازل ایران در چشم مردمان عامه فرنگ تا چه حد آینه تمام‌نمای واقعیات ایران است؟ از این منظر «سینمای ایران، نگاهی دیگر» به‌عنوان رویدادی که از طرف جمعی از دانشجویان تازه‌مهاجرت‌کرده سازماندهی شده نیز محل اعتناست. مهاجر ایرانی البته عبارت پراپهای است، چراکه در تاریخ معاصر ایران مصداق‌های بسیار متفاوتی داشته است. جامعه ایران در دوره‌های مختلف امواج مهاجرتی متفاوتی از سر

پیشنهاد

پرسش را با عنوان «چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران در پرتو انقلاب دانایی» آغاز خواهد کرد. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و شرکت در این درسگفتار می‌توانند با شماره‌های روابط‌عمومی مؤسسه پرسش ۰۱۰۲۲۲۸۸۲-۰۸۸۲۲۶۴۷ تماس گرفته یا به وب‌سایت qporesh.com مراجعه کنند. مؤسسه پرسش در خیابان قائم‌مقام فراهانی، پلین‌تر از خیابان استاد مطهری، کوچه شبنم، پلاک ۳۳ واقع شده است.

سعید معیدفر

چندی است بحث اخذ مجوز برای کانال‌های تلگرامی بالا گرفته است. اکنون با توجه به اینکه قضیه عمومی شده است، این‌گونه واکنش‌ها نمی‌تواند رفتار درستی باشد. هنگامی که پدیده‌ای هنوز وارد جامعه نشده است و عموم مردم با آن آشنا نشده‌اند، ممکن است سیاست‌های کنترلی تا حدی موفق شود، اما وقتی پدیده‌ای عمومیت پیدا کرد و میلیون‌ها نفر در این شبکه اجتماعی عضو شدند و بخش عمده‌ای از وقتشان را در این شبکه‌ها می‌گذرانند، در چنین وضعیتی کنترل و مسدودکردن جواب نمی‌دهد. برای اینکه تا حد زیادی همه به آن عادت کرده‌اند. من این اقدام‌ها را موفق نمی‌دانم. دیر یا زود سیاست‌گذاران وادار به عقب‌نشینی می‌شوند. براساس مطالعات اجتماعی که وزارت کشور انجام داده، الان وضعیت

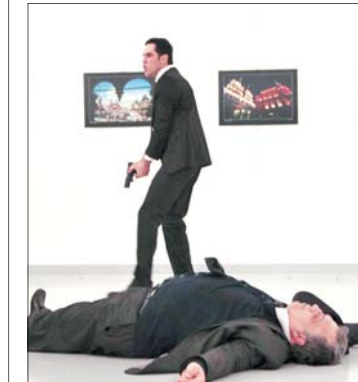
اتفاق

سینمای تجاری از اخبار ترور شکست می‌خورد



اکبر عالمی

دنیای مستندنگاری با گسترش استفاده شهروندان جهان از تلفن‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی در پنج شش سال اخیر به کلی زیورو شده و تغییر کرده است. روزگاری امکان فیلم‌برداری و عکاسی در اختیار افراد خاصی بود اما الان همه شهروندان جهان این امکان را در اختیار دارند. در نمونه اخیر می‌توان به حادثه ترکیه و کشته‌شدن سفیر روسیه در این کشور اشاره کرد. این اتفاق و ده‌ها نمونه دیگر نشانه آشکار از تغییرات گسترده در عرصه اطلاع‌رسانی و مستندسازی است و این وضعیت تبعات متعددی را به همراه داشته است. نخست اینکه تمام کسانی که چشمشان را روی واقعیت‌های توفنده رخ‌داده در عرصه خبررسانی بسته‌اند، باید بدانند با حذف، راه نادرستی را در پیش گرفته‌اند و در زمان بسیار کوتاهی نزد افکار عمومی رسوا می‌شوند.



با این تغییر اعجاب‌آور اطلاع‌رسانی در چند سال اخیر، آنها که به کنترل پلیسی اعتقاد دارند، باید بدانند که دیگر نمی‌توانند افکار عمومی را با شیوه‌های مختلف دست‌کاری کنند. علاوه بر این، این وضعیت در عرصه مستندنگاری، مستندسازی و وقایع‌نگاری هم تأثیر شگرفی گذاشته و عملاً رسانائی استان، فعالیتشان را محدود کرده و مخاطب را برای جامعه مستندساز جهان فراهم کرده است. الان هر فردی می‌تواند به عنوان یک وقایع‌نگار یا مستندنگار عمل کند. براین‌اساس ضرورت دارد همه کسانی که کارشان مستندنگاری، وقایع‌نگاری و اطلاع‌رسانی است، فعالیتشان را جدی بگیرند و مخاطب را دست کم نگیرند. مخاطبی که قدرت تجزیه و تحلیل زیادی پیدا کرده است و دیگر فعالان مستند نمی‌توانند هر چیزی را به نام مستند در آتشپزخانه ذهنشان بسازند و به خورد مخاطب بدهند. بی‌شک گسترش نسل جدید رسانه‌های موبایلی به قدرت مستندنگاری کمک می‌کند و از طرفی سینمای تجاری جهان رو به افول خواهد رفت. سینمای تجاری که سرمایه‌های زیادی در اختیار دارد و دیر یا زود در برابر سینمای مستند منتقد با وجود محدودیت امکانات شکست خواهد خورد.

براین‌اساس هم دولت‌ها و هم مستندنگارها و فعالان عرصه رسانه باید براساس آن ضرب‌المثل معروف انگلیسی عمل کنند که می‌گویند: «honesty is the best policy» یعنی «صداقت بهترین روش است». نباید فراموش کرد که صلح‌اندیشی با پنهان‌کاری متفاوت است و به افکار عمومی باید احترام گذاشت. ضرب‌المثل انگلیسی دیگر یادآور می‌شود «the voice of people is the voice of god» یعنی اینکه «صدای مردم، صدای پروردگار است». پس باید به افکار عمومی که به‌ندرت اشتباه می‌کند احترام گذاشت.

سلام به فردا

دیر یا زود عقب‌نشینی می‌کنند

تکنولوژی‌های رسانه‌ای جدید فرصتی است که در اختیار ما گذاشته شده و می‌تواند در توسعه روابط میان‌فردی و افزایش اعتماد عمومی به فضای جامعه ما کمک و روابط را در فضای واقعی هم تقویت کند، و این فرصت منوط به این است که با نگاهی درست این فضا مدیریت و از آن بهره‌برداری شود. وقتی فرد از این فرصت‌ها محروم می‌شود، احساس محرومیت می‌کند و این حس محرومیت در بلندمدت تبعات اجتماعی بدی دارد. باید از این امکانات درست استفاده شود. بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی مانند فرستادن بچه به مدرسه است. اینکه فرد تصور کند ممکن است من بچهارم را به مدرسه بفرستم و خطرانی او را تهدید کند، پس او را نباید به مدرسه روانه کنم، این نگاه اشتباه است؛ شبکه‌های اجتماعی هم به همین نحو است و نمی‌توان با این استدلال که فرد ممکن است در شبکه‌های اجتماعی آسیب ببیند، اجازه استفاده از آن را ندهیم. این نگاه کمکی به فضای اجتماعی ما نمی‌کند.

آینه‌های رویه‌رو

افغانستان دومین کشور ناامن خبرنگاران شد

در این زمینه برای خبرنگاران در نظر گرفته است؟ اگرچه در قانون اساسی افغانستان در قانون رسانه‌ها آمده که خبرنگاران در جریان کار حرفه‌ای خود مورد حمایت دولت قرار می‌گیرند؛ اما متأسفانه قوانین حمایتی از خبرنگاران تا حالا اجرا نشده است. به‌تازگی حکومت افغانستان کمیته تأمین امنیت و مصونیت خبرنگاران را در کشور و ولایت‌ها ایجاد کرده که این کمیته بتواند مکانیسم‌های امنیت خبرنگاران را در نظر بگیرد و شرایطی را فراهم کند؛ ولی ما تا‌به‌حال کار چشمگیری را از کمیته در زمینه تأمین امنیت خبرنگاران ندیده‌ایم. آنچه مهم است، این است که حکومت باید اعلان خشونت، کمیته تأمین امنیت و شناسایی و سپس بازداشت کند؛ بعد پرونده‌های آنها را برای بررسی عدلی و قضائی به دادستانی دادگاه بفرستد و محاکمه کند. خواست خبرنگاران و جامعه رسانه‌ای از حکومت افغانستان این است که با کمیته و کمیته‌بازی و کمیسوین‌بازی و کار بوروکراتیک قطعاً نمی‌توان اعتماد خبرنگاران را به دست آورد و مرمهی گذاشت بر دل‌های خونین جامعه رسانه افغانستان.

این کارهایی را که شما به آن اشاره کردید، اگر دولت انجام دهد، خشونت کاهش پیدا خواهد کرد؟ قطعاً. اگر حکومت افغانستان باورمند است که دموکراسی و آزادی بیان وجود دارد، برای تضمین این حق اساسی مردم و جامعه رسانه‌ای، باید قانون را اجرا کند.

واکنش جامعه رسانه‌ای افغانستان به این گزارش چیست؟ با انتشار این گزارش ما نگران می‌شویم که جامعه رسانه‌ای افغانستان ترس و هراس دارد که مبدا سال ۲۰۱۷ هم مثل اسماں سال خونینی باشد. این گزارش نشان می‌دهد که افغانستان جای امنی برای فعالیت‌های خبرنگاری نیست. موانع و تهدیدهای زیادی وجود دارد؛ هم از طرف دولت، هم از طرف طالبان و هم از طرف گروه‌های اجتماعی و فرماندهان زورمند محلی.

حالا از بعد وقتی خبرنگاران مورد تهدید قرار می‌گیرند، قطعاً دیگر این گزارش ممکن است که تأثیر منفی روی روحیه و روان خبرنگاران در افغانستان بگذارد. وقتی خبرنگاری کشته می‌شود، دیگر وقتی خبرنگاران می‌بینند که مصونیتی وجود ندارد و معافیت به شکل شدیدی وجود دارد، در این صورت دیگر نمی‌تواند به‌درستی کار کند یا اینکه قطعاً این فضای بد، زمینه خودسانسوری را در جامعه رسانه‌ای افغانستان فراهم کرده است.

من به‌عنوان یک فعال رسانه معتقد هستم که خودسانسوری در فضای رسانه‌ای افغانستان نسبت به چند سال گذشته به‌شدت افزایش پیدا کرده است و این خودسانسوری ناشی از ترس و هراسی است که خبرنگاران از تهدیدهای مقام‌های دولتی، طالبان و گروه‌های زورمند دارند. این باعث می‌شود که خبرنگاران خودسانسوری کنند؛ چرا؟ چون می‌فهمند که اگر خبرنگاری کشته شد، برای مجرمان معافیت وجود دارد. چنین فضای آزادی بیان را به تهدید روبه‌رو می‌کند و در مجموع دموکراسی و مردم‌سالاری در افغانستان را با موانع جدی و تهدیدهایی روبه‌رو می‌کند.

به نظر شما آینده این حرفه چگونه است؟ آینده فضای کار خبرنگاری بستگی دارد به ثبات و امنیت در افغانستان و بستگی دارد به توجهی که جامعه بین‌المللی و حکومت افغانستان به آزادی بیان و آزادی‌های رسانه‌ای می‌کند. اگر به همین منوال پیش برود، من باور دارم که خیلی از رسانه‌ها در افغانستان بسته می‌شوند. همین حالا تعداد زیادی از رسانه‌ها در افغانستان به دلایل زیادی از جمله منابع مالی یا بعضی مسائل دیگر بسته شده‌اند. خیلی از رسانه‌های دیگر هم در وضعیت مناسبی نیستند و هر لحظه ممکن است که فعالیت خود را خداتوقف کنند. آن فضای بد امنیتی هم تأثیر منفی روی اقتصاد و درآمد رسانه‌ها گذاشته است. اگر وضعیت به همین منوال پیش برود، فکر می‌کنم که وضعیت بدتر می‌شود و اگر وضعیت کار خبرنگاران و رسانه‌ها بدتر شود، دیگر سوااستفاده، فساد، دستبرد، خیانت و جنایت در افغانستان بیشتر خواهد شد.

اعتماد عمومی در شرایط مناسبی نیست و این رفتارها به افزایش بی‌اعتمادی دامن می‌زند!

اگر دولت‌ها مدام در این مسائل مداخله کنند، آثار مثبتی نخواهد داشت و ضریب بی‌اعتمادی افزایش پیدا می‌کند. به‌ویژه اینکه چیزی برای مردم مهم شود و بخواهند آن را از آنها بگیرند، سبب ایجاد چالش می‌شود؛ مثلاً وقتی بچه‌ای به چیزی علاقه دارد و آن را از او می‌گیرید، واکنش تندّی نشان می‌دهد و مردم هم این‌گونه رفتار می‌کنند و با گرفتن علاقه‌هایشان عملاً به خصومت‌ها دامن زده می‌شود.

برخلاف تصور عمومی بسیاری از ناهنجاری‌هایی که در فضای مجازی دیده می‌شود، لزوماً برخاسته از شبکه‌های اجتماعی نیست و ریشه در جایی دیگر دارد که در این فضاها ظهور و بروز پیدا می‌کند و باید با راهکارهای منطقی و علمی برای حل‌وفصل چالش‌های موجود گام برداشت تا شهروندان مبتنی بر اخلاق، قانون و عرف در فضای مجازی و واقعی رفتار کنند.

اخترمحمد ماگویی؛ سازمان گزارشگران بدون مرز در تازه‌ترین گزارش خود از افغانستان به‌عنوان دومین کشور ناامن برای خبرنگاران در سال ۲۰۱۶ میلادی یاد کرده است. با فیصل کریمی، رئیس «انستیتیوت تحقیقات و مطالعات رسانه‌ای افغانستان»، درباره این گزارش گفت‌وگو کرده‌ایم.

با توجه به گزارش سازمان گزارشگران بدون مرز، وضعیت خبرنگاران افغانستان را چطور می‌بینید؟ براساس گزارش سازمان‌های بین‌المللی در افغانستان، افغانستان خطرناک‌ترین جغرافیا یا مکان برای کارهای خبرنگاری است و این وضعیت در حال بدترشدن است. سالی که گذشت، مرگ‌بارترین سال برای خبرنگاران در افغانستان بود که تعداد زیادی از خبرنگاران در سراسر افغانستان کشته، زخمی یا تهدید شدند و تعدادی هم به خاطر همین تهدیدها مجبور شدند کار خود را رها کنند یا به بیرون از کشور رفتند و از این تهدیدهای موجود فرار کردند.

دلیل این افزایش خشونت‌ها چیست؟

دلیل اصلی افزایش خشونت علیه خبرنگاران در افغانستان، جنگ و ناامنی است که وجود دارد؛ یعنی خبرنگاران با جریان‌ها و گروه‌هایی روبه‌رو هستند که اینها متخاصم و در قضایای افغانستان شدیداً دخیل هستند. از طالبان و گروه حقانی گرفته تا داعش و دیگر گروه‌های تروریستی، حتی مقام‌های دولتی و شخصیت‌های بانفوذ و فرماندهان زورگو در ولایت‌ها، یعنی در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که از گوشه‌های مختلف تهدیدها علیه خبرنگاران به‌شدت وجود دارد؛ ی‌کو ناامنی است، دیگری فساد در اداره‌های دولتی و سوءاستفاده وزورگویی است؛ یعنی وقتی که خبرنگاران تلاش می‌کنند که از موارد فساد و سوءاستفاده در نهادهای دولتی پرده بردارند یا اینکه از خیانت‌هایی که افراد زورمند محلی را پرده‌برداری کنند، با تهدید روبه‌رو می‌شوند تا جایی که مورد لت‌وتوکب قرار می‌گیرند یا به قتل می‌رسند؛ یعنی وضعیت بد سیاسی، امنیتی، اجتماعی در افغانستان، دلیل اصلی این همه چالش‌ها و موانع برای کار خبرنگاری در افغانستان است.

چرا در افغانستان نسبت به خبرنگاران این همه حساسیت وجود دارد؟ افغانستان دارای نظام آزادی‌گرای مطبوعات است، رسانه‌های زیادی ایجاد شدند و حق آزادی بیان دارند. وقتی که خبرنگاران تلاش می‌کنند تا با استفاده از حق آزادی بیان، از موارد فساد در افغانستان، از خیانت‌های گروه‌های تروریستی و... پرده بردارند؛ وقتی خبرنگاران در چنین شرایطی کار می‌کنند که از موارد فساد و جنایت و خیانت و خشونت پرده‌برداری می‌کنند، قطعاً با چالش‌های بسیار جدی روبه‌رو می‌شوند، وقتی که مقام دولتی حیثیت و جایگاهش به دلیل فسادِی که انجام داده است، به خطر می‌افتد. قطعاً برای خاموش‌کردن صدای خبرنگار از تهدید شروع و حتی تا مرحله قتل و ترور هم پیش می‌رود. طالبان هم وقتی می‌بینند که فعالیت‌شان بازتاب پیدا نمی‌کند و حرف طالبان را خبرنگاران مدنظر نمی‌گیرند یا خیلی کم در نظر می‌گیرند، قطعاً به خبرنگاران حمله می‌کند؛ چون در برنامه‌های رسانه‌ای جنایت‌های طالبان بازتاب داده می‌شود و طالبان هم نمی‌خواهد که خبرنگاران بُعد منفی رفتار طالبان را بازتاب دهند. همچنین در نهادهای دولتی هم وقتی که سوااستفاده یا فساد یک مقام دولتی افشا می‌شود؛ چون حیثیت و آبروی فرد به خطر می‌افتد، برای تلافی‌کردن، جایگاه و حیثیت خبرنگاران را به خطر می‌اندازد و آنها را تهدید می‌کند. همه موارد خشونت‌کی که در این سال‌ها در افغانستان انجام شده است، نشان می‌دهد که فرهنگ معافیت به شکل شدیدی همچنان وجود دارد، پرونده‌های خشونت علیه خبرنگاران تا‌به‌حال بررسی نشده است. تا‌به‌حال هیچ‌کسی که عامل خشونت یا قتل خبرنگاران در افغانستان بوده، بازداشت یا شناسایی نشده است، پرونده کسی تا‌به‌حال به دادگاه یا دادستانی نرفته است تا ما خبرنگاران باور داشته باشیم‌که واقعا عوامل خشونت علیه خبرنگاران محاکمه یا مورد پیگرد نهادهای عدلی و قضائی قرار می‌گیرند.

همیشه، هم موارد فساد هست و هم یک خبرنگار تا آنها را افشا کند، آیا قانون حاشیه امنی